

هنرهای نخستی



مروری بر مکاتب مینیاتور ایران (۳)
مکتب هرات

طرف چمن و طواف بستان



شاهرخ پسر تیمور که در زمان پدر حکومت خراسان را دارد، به جبران مافات می نشیند و در تشویق و ترغیب هنرمندان ایران در گوشه و کنار و فراخواندن اغلب آنان به مقر حکومتی خویش یعنی خراسان همتی سزاوار به خرج می دهد. دیری نمی باید که سرزمین خراسان و مرکز این خطه پهناور، یعنی مشهد، مرکز عمده رونق و استمرار حیات بسیاری از هنرهای ظریفه، همانند خطاطی، کاشیکاری، گچبری، و به ویژه نقاشی مینیاتور می گردد. همین گردهمایی سرنوشت ساز پس از مدت زمانی نه چندان طولانی، با انتقال مقر حکومتی به خطه هرات منتقل می شود و پایه های رنسانس ماندگار مکتب هرات را مستحکم و پابرجا می نماید.

بر پای کتابخانه و مرکز هنری معتبر هرات به پشتیبانی و حمایت و تشویق شاهرخ تیموری، به دنبال زمینه های مساعدی که پیش از این زمان در خراسان پا گرفته است، اتفاقی سرنوشت ساز در تاریخ هنر ایران به حساب می آید. شگفت آنکه به روایت کاتبان و نویسندگان این عصر، رونق و اعتبار مرکز هنری هرات

دیر زمانی نمی باید که تجلی و تعالی مینیاتور ایران در سایه ذوق و خلاقیت سزاوار تحسین با بنیان مکتب هنری شیراز خیلی زود زمینه های تحولی شگرف و ماندنی را در تکامل این هنر سراسر رمز و راز، در گوشه ای دیگر از سرزمین ایران (یعنی نخست در خطه پر هنر خراسان و زان پس در هرات) سبب می گردد. این جنبش بی تردید در ارتباط تنگاتنگ با مبانی و اصول ذوقی هنری نگارگران مکتب شیراز قرار دارد، با این تفاوت که مکتب هرات، جلوه ای از تفکر و ذوق خالص ایرانی را وارد جهان مینیاتور ایران می سازد، تا آنجا که گویی مکتب هرات پاسخی است به همه تلاشها و ایثارهای نگارگران ایرانی در رجعت به خویشتن خویش و پاسداری از مبانی تفکر و ذوق ایرانی.

دوران آشوب و جنگ و نابسامانیهای ناشی از لشکرکشیهای تیمور، به اهل هنر مجال و فرصت بایسته و شایسته ای برای بروز استعدادها و آشکار کردن خلاقیتهای هنری شان نمی بخشد. با تمام این احوال،

تا بدان پایه است که در طی سالیان طولانی چهل خطاط و صد نقاش تحت حمایت شاهرخ بی وقفه مشق خط می کنند و نقش می آفرینند و هر دم گنجی به گنجینه هنر ایران می افزایند.

شاهرخ تیموری که شیفته هنر بود، بانی رواج هر چه فزون تر هنر در دایره وسیع سرزمینهای تحت فرمانروایی خود گردید و بدین ترتیب، حیاتی دوباره در تاریخ هنر ایران به وجود آمد، که البته تنها به «دوستداری و حمایت» این امیر زاده تیموری مربوط نمی شود، چرا که آرامش و سکون دوران فرمانروایی او نیز عاملی مؤثر در پیشبرد نظرات و خواسته های او بود.

گرایش و آرمان شاهرخ بعد از او در سلیقه و خواست پسرش میرزا بایسنقر استمرار یافت، و بایسنقر هنگام حکومت بر هرات راه و آرمان پدر را دنبال کرد و با تأسیس کتابخانه معتبر دیگری در هرات (۸۲۳ هجری) و دعوت عام از دیگر هنرمندان نقاش و تذهیب کار و خوشنویس شهرهای شیراز و سمرقند و تبریز، بر آبرو و اعتبار مکتب هنری هرات افزود.

بایسنقر که خود خوشنویسی صاحب ذوق و توانمند و انسانی صاحب دل و صاحب کمال بود، مفتون هنر و فرهنگ ایرانی شد. او بعد از تأسیس کتابخانه، سرپرستی آن را به میرجعفر تبریزی که از شاگردان نامی میرعلی (واضع خط نستعلیق) بود سپرد.

زمانی نگذشت که هرات به دلیل گردهمایی هنرمندان با ذوق و پرآوازه، در دوران فرمانروایی نوادگان تیمور، مرکزی معتبر در نشر و توسعه هنرهای ظریفه، بویژه خط و مینیاتور گردید، چنان که پس از این تحول، یکباره جان تازه ای در کالبد این هنرها دمیده شد. روح و احساس شاعرانه هنرمند و الا قدر ایرانی که در انتظار تبلور و تجلی بود، فرصت و مجال یافت تا پس از گذشت ایامی پر آشوب و فتنه، بر اوراق دواوین شعر و کتب دیگر به درخشش درآید، روی به افسانه های شاعرانه نهد و بار دگر مفاخر ملی و میهنی خویش را با آخرین نقشهای نقوشی چشمگیر و دلفریب آراسته کند.

رنگهای دور نماها، آرام آرام از سرخی به آبی

و سوسه انگیزی مبدل می شوند و رنگ طلا جایگاه ارزنده ای در گوشه و کنار نقشهای مینیاتور این دوران می یابد. شگفتا که نگارگر با ذوق ایرانی دگر باره به ستایش گل و گیاه و سبزه و نمایش زیباییهای طبیعت می نشیند. اوتپه و ماهورهای پرگل و درختان سر به فلک کشیده و جویبارهای زلال و چشمه های جوشان را چنان رویایی و خیال انگیز به تصویر می کشد که گویی در عالمی مادی سیر و سیاحت می کند. تردیدی نیست که علی رغم هویت هنری مستقل نگارگران ایرانی می توان رگه های تأثیرات بی چون و چرای مینیاتور چینی را نیز در نقاشی و رنگ آمیزی هنرمند این زمان به وضوح مشاهده کرد. این تأثیرات ریشه در ارتباط هنری و فرهنگی میان هنر چینی و ایرانی دارد.

سوی مینیاتورهای با ارزش کتاب کلیده و دمنه که در آغاز مکتب هرات چونان الگویی مناسب، راهنمای نگارگران مرکز عمده هنری - فرهنگی هرات می گردد و سوی آنکه نگارگران مکتب هرات در بیشتر نقشهای کتاب، میل و گرایش سزاوار تحسین خود را در ترمیم هر چه دقیق تر و ماهرانه تر گل و گیاه و اندام حیوانات نمودار می سازند، آنچه شناسنامه و مایه اعتبار مکتب هرات از کار در می آید تدارک خوشنویسی و نقاشی ابیات و داستانهای شاهنامه حکیم دانای توس است. شاهنامه معروف به شاهنامه بایسنقری، این برترین یادگار نفیس نگارگران مکتب هرات، در مرکز هنری بایسنقر به اتمام رسید و بی گزافه، در زمره والاترین اسناد معتبر هنر نگارگری ایران قرار گرفت. میرجعفر تبریزی معروف به جعفر بایسنقری ابیات شاهنامه را با خطی خوش و چه بسا کم نظیر کتابت کرده است.

در مینیاتورهای این شاهنامه می توان خلایق چشمگیر نگارگران در ترسیم نقشها و استحکام و پختگی رنگها را به چشم دید و ستود.

شاهنامه بایسنقری به فرمان میرزا بایسنقر در مدت چهار سال به برکت تلاش و همت هنرمندان ایرانی کامل شد و چونان سندی گویا از افتخارات هنری ایرانیان تا به امروز به یادگار مانده است.

شکوفایی و ترقی هنرهای ظریفه سنتی، همانند تذهیب و کاشیکاری و خوشنویسی و مینیاتورسازی، در

پی برد.

حمله ازبکان به هرات در سال ۹۴۲ و سقوط و ویرانی این شهر، سبب نابودی هنرستان هرات شد. هنرمندان مکتب هرات ناگزیر مهاجرت کردند. جمعی به بخارا، و جمعی دیگر به آسیای میانه و جماعتی نیز به تبریز و قزوین و اصفهان رهسپار شدند. این مهاجرت ناگزیر در تاریخ هنر ایران باعث تولد مکاتب تازه‌ای در هنر ایرانی و به ویژه مینیاتور شد.

“



عصر بایسنقر به پایه‌ای رسید که حتی بعد از وفات این فرمانروای هنرمند و هنردوست (که در زمان حیات پدر اتفاق افتاد)، وقفه و سکونی در پی نیامد و هرات به مدت بیش از یک قرن پیشگام تحولات هنری ماند.

یکی از ادوار درخشان مکتب هرات که به تعبیری دوره حیات دوباره این مکتب به حساب می‌آید، عصر فرمانروایی سلطان حسین بایقرا است. در روزگار چهل ساله حکومت این شاهزاده تیموری، به یمن هنردوستی وزیر داداند او امیر علیشیر نوایی، مکتب هرات که با مرگ شاهرخ و آغاز دوران فترت هنری ابو سعید گورکان رنگ باخته بود، به اوج شکوفایی و ترقی رسید. از نامهای ماندگار هنر این دوران استاد میرک است که دست و ذوقی توانا در کار خط و تصویر داشت و آنچنان خوش درخشید که به ریاست دارالکتاب سلطان حسین بایقرا منصوب شد. این هنرمند بزرگ گذشته از استعداد و ذوق حیرت‌انگیزی که در زمینه خط و مینیاتور داشت، شاگردی را تربیت کرد که نه تنها در جهان هنر آن روزگار، بلکه در ادوار بعد، همانندی چون او در زمینه مینیاتور زاده نشد.

این شاگرد کسی نبود جز استاد کمال الدین بهزاد که اندک زمانی بعد از تعلیم در محضر استاد میرک، نه فقط بر استاد خویش که بر همه استادان زمان خود و پس از آن برتری و چیرگی یافت. با توجه به مطلب جداگانه‌ای که در فصلنامه هنر در باره استاد کمال الدین بهزاد به چاپ رسیده است، برای آگاهی از شخصیت این هنرمند نابغه، مطالعه آن را توصیه می‌کنیم. در اینجا تنها به این نکته اشاره می‌کنیم که حضور کمال الدین بهزاد در مکتب هرات حضوری سرنوشت ساز بود و الگویی پردوام در تداوم و استمرار مینیاتور مکتب هرات، نه تنها در دوران زندگی بهزاد که در زمانهای بعد از او به شمار می‌رود.

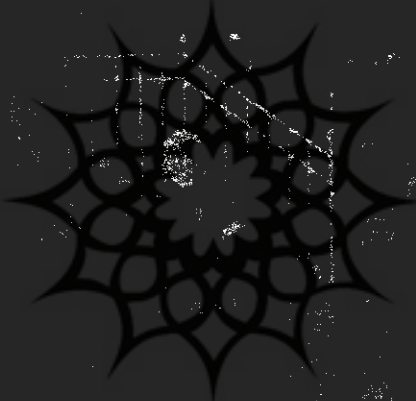
به راحتی می‌توان سلطه ذوق و اندیشه و تفکر هنری وی را در کار استادان والای عصر او همانند قاسم علی و عبدالرزاق مشاهده کرد. محصول ذوق بهزاد را در تجلی ذوق و هنر امثال شیخ زاده که صاحب مینیاتورهای بسیار با ارزشی در ترسیم بعضی از مجالس خمس نظامی است می‌توان دید و به عظمت هنر بهزاد



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
رتال جامع علوم انساني







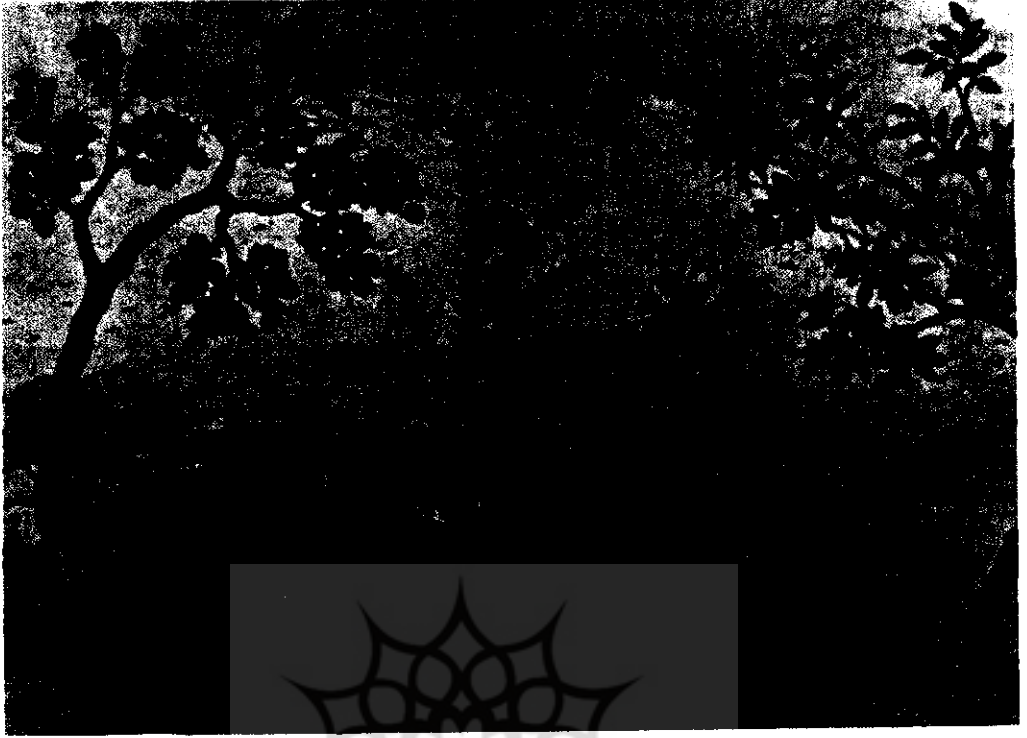
شپړه شکاره علوم انسانی و مطالعات فرېښکې

رتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
رتال جامع علوم انساني





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي فریښی
پرتال جامع علوم انسانی